

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: جهاد جلسه هفتاد و هشتم تاریخ: ۸۷/۱۲/۲۷
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خاتم الانبياء
و المرسلين سيدنا و نبينا أبا القاسم محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين
المعصومين سيمًا بقية الله في الارضين و اللعن على أعدائهم أجمعين.

بحث ما در باب جهاد درباره‌ی رباط و مرابطه، مزداری و مرزبندی و سنگرداری برای حفظ مرزهایی که دشمن ممکن است از آن راه به داخل مملکت اسلامی نفوذ کند، باید توجه داشت که این بحث رباط با بحث جهاد مربوط است بحث جهاد هم با حکومت اسلامی و نظام اسلامی، مربوط است از این جهت آن دو مطلب را تا در نظر نگیریم، بحث رباط برای ما روشن نمی‌شود این فقهای ما جدا جدا، صاحب جواهر رباط را تنها حساب می‌کند خوب رباط با جهاد مربوط است بنابراین باید رباط را مشخص کرد و تفاوت و دیدگاهی که به این عرایض ما و کلمات فقهاء بود در جهاد خیلی فرق دارد آن‌ها جهاد را منحصر می‌دانستند به دعوت به اسلام، یک نوع جهاد یا دفاع در مقابل نفوذ کفار به کشور اسلامی یک نوع، سوم بقاط همین، ما گفتیم این گونه نیست و جهاد وسیعتر از این است هر کجا فتنه‌ای باشد قاتلوم، تا این که فتنه‌ای در بین نباشد جریان سید الشهداء «سلطاناً جائراً» جهاد است خیلی از جاها امر به معروف است جهاد می‌کند آن‌ها هیچ نمی‌توانند توجیه کنند انقلاب ایران را برای اینکه نه دعوت به اسلام بوده و نه دفاع بوده آن‌ها می‌گویند نه بقاط بوده و حال این که حرکت زید بن علی بن الحسین (علیهم السلام) جریان شهدای؟؟؟ ما یک جریان‌هایی را ذکر کردیم از کتاب جهاد که معلوم می‌شود جهاد بسیار بسیار وسیعتر از آن است که آقایان ذکر کرده اند، این یک نوع بحث بود که بحث ما با این دیدگاه مربوط است و دیگر مطلب این که آن‌ها گفتند که در زمان غیبت امام عصر (علیه السلام) اصلاً جهادی نیست مگر این که وقتی حمله کند به کشور و ما بخواهیم دفاع کنیم، گفتند این گونه نیست جهادی که موجب عزت و عظمت است جهادی که با فتنه در زمین مربوط است، جهادی که با من سلطان جائراً مربوط است این جهاد نمی‌شود تعطیل باشد بگوئیم صدها سال جهاد نیست تا امام زمان بیاید این‌ها دیدگاه‌هایی است که ما قبلاً داشته ایم بحث ما با این‌ها همه ارتباط پیدا می‌کند، خوب بعد از توجه به این دو مطلب یکی این که جهاد با آن معنا که خیلی وسیع است و این‌ها دوم این که جهاد، مربوط است به این که در هر زمانی امام زمان (علیه السلام) غایب است باید کسی نایب ایشان باشد و این جهاد با آن همه فلسفه که «والله ما صلحت دین و لا دنیا الا

به» نمی‌شود این تعطیل باشد مرابطه با همین امر مربوط است بنابراین وقتی که این گونه جهاد را ما تفسیر کنیم و تعلیل کنیم خوب معلوم می‌شود که این رباط لازم دارد برای این که دشمنانی که همیشه در کمین کشورهای اسلامی هستند در کمین اسلام هستند هیچ وقت آرام نیستند، بنابراین واجب است که در مرزها مرابطه‌ای صورت بگیرد تا این که مانع نفوذ دشمن شود بنابراین به حکم عقل و عقلاء لازم می‌دانند کسی که در یک مرکزی دشمنانی دارند مرزها را حفظ کنند چه مرز آبی و چه مرز خاکی، چه مرز هوایی الان در همین ایران ما اگر مرزهای مستحکمی ما نداشتیم و مرزبندانی، این‌ها که واقعاً مرزهایی که استحکام را به وجود آوردند هم از لحاظ دریایی و هم از لحاظ خاکی و هم هوایی، دشمن بالآخره وارد می‌شد بنابراین به حکم عقل و عقلاء و از آن لحاظ که ذکر کردیم، به حکم عقل و عقلاء مرابطه واجب است.

- ???

حالا ما بنشینیم تا دشمن بیاید داخل بشود برویم دفاع کنیم، ما نباید بنشینیم که دشمن بیاید از این جا داخل شود چون مرز را معنا کنیم به این معنا بنشینیم و منتظر بمانیم لذا دشمن بیاید و داخل شود برویم دفاع کنیم، این بحث ما نیست بحث این است که مرزها را محکم کنیم که اصلاً دشمن فکر نکند به این که بتواند از مرزها وارد شود «تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» (انفال، ۶۰) به این ترتیب باید باشد آیات را خواندیم دیگر، بنابراین خیلی مطلب روشن است به نظر بنده، در این که صاحب جواهر ذکر کرد مقداری از آن را عرض کردیم که درست نیست، مقداری از آن در مورد روایات است که این روایات را متعرض شویم خیلی خوب است هیچ کدام از این روایات را که شما می‌دانید عدالت ندارند، بله بنابراین مطلب به نظر ما خیلی روشن است و آن مشی که تا حالا داشتیم، صاحب جواهر به روایات باب ششم و هفتم به روایت باب ششم و هفتم استناد می‌کند. دیروز ما خواندیم بعضی از روایت‌ها را یکی از روایت‌هایی که خیلی مهم بود خبر یونس را دیروز خواندیم عرض کردیم به این که این جا هم کلمه‌ی فلیرابط دارد که امر حاضر است و امر دلالت دارد بر وجوب، از این استفاده‌ی استحباب نمی‌شود کرد، حالا خبر سوم باب هم که دیروز باز عرض شد ظاهراً، سنداً هم ضعیف است خبر باب سوم از طلحة بن زبیر، اما خبر چهارم باب، خبر چهارم باب را یاسناده، اسناد شیخ طوسی «عن محمد بن أحمد بن یحیی» این را می‌شناسیم که خیلی خوب است «عن محمد بن هاشم» خیلی خوب است اما «عن علی بن معبد» علی بن معبد توصیف نشده از این جهت خبر ضعیف است «عن واصل» آن هم توصیف نشده این دو نفر در خبر

ضعیف هستند «عن عبدالله بن سنان» این خوب است «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا تَقُولُ فِي هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يُقْتَلُونَ فِي هَذِهِ الثُّغُورِ» از امام صادق می پرسند کسانی که در مرزها کشته می شوند اینها حکمشان چیست؟ «قَالَ فَقَالَ الْوَيْلُ» اینها مستحق عذاب هستند «يَتَعَجَّلُونَ قَتْلَهُ فِي الدُّنْيَا وَ قَتْلَهُ فِي الْآخِرَةِ» اینها تعجل می کنند و عجله می کنند در دنیا کشته شوند و در آخرت هم کشته می شوند «وَاللَّهِ مَا الشَّهِيدُ إِلَّا شَيْعَتُنَا وَ لَوْ مَاتُوا عَلَى فُرُشِهِمْ» و الا شهید شیعیان ما هستند پیروان ما هستند، اینها پیروان ما نیستند روایت خیلی خیلی خوبی است از جهت این که مطلب را خیلی روشن می کند خوب امام صادق (علیه السلام) در آن زمان، هر چند که در فرهنگ اسلامی، کار می کردند و بیان احکام اسلام و شرایع اسلام، ولی باید توجه داشت که امام صادق و سایر ائمه این گونه نبودند که اگر در قسمت فرهنگ گام بر می دارند از سیاست به سیاست توجه نکنند، بیشتر روایات علیه بنی عباس از امام صادق (علیه السلام) است که بنده در کتاب امر به معروف نقل کرده ام و جداً با شدت مخالفت می کردند: «لَا تُعْنَهُمْ عَلَى بِنَاءِ مَسْجِدٍ» مسجد هم به اینها کمک نکنید؟؟ در دیوان و اینها؟؟؟ خلاصه روایات زیادی ذکر کرده اند آنها اعتقاد دارند که امام صادق (علیه السلام) در آن زمان این گونه نبوده حالا که مکتبی دارد و شاگرد تربیت کرده و درس می دهد از جنبه سیاست مثلاً غفلت داشته باشد و توجه نداشته است، نخیر بیشتر این روایاتی که معارضه می کند با شدت با بنی العباس از امام صادق (علیه السلام) است - صحبت های متفرقه - امام صادق (علیه السلام) بسیار با شدت این گونه می گویند در حالی که می بینید معاصر با منصور و اینها، آن هم می پرسد به این که می روند کسانی در ثغور کشته می شوند، با شدت می گوید الویر، «قَالَ فَقَالَ الْوَيْلُ يَتَعَجَّلُونَ قَتْلَهُ فِي الدُّنْيَا وَ قَتْلَهُ فِي الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ مَا الشَّهِيدُ إِلَّا شَيْعَتُنَا وَ لَوْ مَاتُوا عَلَى فُرُشِهِمْ» خوب این باب ششم بود در این باب فقط یک روایت را صاحب جواهر استدلال کرده برای استحباب گفتیم نه این دولت ندارد، آن گونه وضع این گونه بوده، فلیرابط دارد فلیرابط دال بر وجوب هست باب هفتم، هم

-؟؟؟

این باب چهار روایت بیشتر ندارد دلالت دارد بر این که کسانی که در زمان بنی عباس و بنی امیه گفتیم جهاد باید در رکاب امام باشد، غیر از این حرام است لحم الخنزیر همان گونه که قبلاً خواندیم این جهاد، روایت هم همین گونه است.

-؟؟

روایات هم همین گونه است روایات و جهاد روایات از تبعات و از مواهب و مقدمات جهاد است، جهاد اول بحث را می گویم برای همین می گویم دو مطلب را باید توجه کنیم، یکی جهاد است و یکی هم چه است؟ یکی جهاد است خوب بنابراین جهاد باید با امام معصوم باشد یا نایب منابع، و

الا حرام است مثل لحم خنزیر خواندیم در یکی از باب ها، و رباط هم از مواهب آن است حالا اگر کسی می خواهد قتال کند ولی با بنی عباس، حرام است رباط هم کند حرام است برای خاطر این که این روات کند با آن ها، باید برود جزء آن دستگاه شود و ثبت نام در دیوان آن ها کند برای تقویت آن ها قدام بردار هر نوع ارتباط و تقویت و تحکیم و تأسیس ظالمین چیست؟ حرام است، بله رباط با آن ها حرام است حرام مثل لحم خنزیر با آن ها حرام است و کسانی که بروند کشته شوند و در آخرت هم عذاب می شوند.

—؟؟

الامام الصادق و المذاهب الاربعه، تألیف اسد حیدر، ما باید مطالعاتمان خیلی وسیع باشد مخصوصاً جهاد کتاب جهاد با تاریخ خیلی مربوط است، اخبار اهل بیت با تاریخ آن زمان خیلی مربوط است خوب این عرض کنم که باب ششم بود، چهار تا خبر داشت به این ترتیب، اما باب هفتم در باب هفتم هم باز خبر اول محمد بن حسن بایسناده عن علی بن مهزیار شیخ طوسی، به استاد خود از علی بن مهزیار، اسناد شیخ طوسی بله مطلب خیلی صحیح است، از اجلای روات ما است و الآن قبرش در عراق زیارتگاه است معاصر حضرت جواد (علیه السلام) بوده است، «کتب رجل بنی هاشم إلی أبی جعفر ثانی» حضرت جواد (علیه السلام) است چون برای این که بخواهد روایت مفصل می شود خلاصه آن را مطالعه می کنیم یک شخصی سؤال می کند از ابی جعفر (علیه السلام) که من نذر کرده ام برای رباط، خوب قصد رباط، برای این که جزء جهاد اسلامی است، اصل رباط امر ممدوحی است ما در صحیفه سجادیه، دعای بیست و هفتم درباره ای امام سجاد دعا برای اهل ثغور، یک دعای بسیار مفصلی هست در صحیفه سجادیه دعای بیست و هفتم «و من دعاء أهل ثغور» حضرت دعا می کند برای اهل ثغور، پروردگار شمشیرشان را بران کن کارشان را مرتب کند چه بکن و چه بکن، رباط که عرض کردم رباط جزء جهاد است و جهاد هم که در جهاد مهم است رباط هم مهم است منتها باید در کسانی ساماندهی کنند که معصوم باشد نه ساماندهی جهاد و رباط به وسیله جباران و ستمگران و این ها، بله این شخص می گوید به این که یک شخصی نذر کرده برای رباط، ولی خوب می بینیم که الآن رباط دست کیست؟ دست بنی عباس است دیگر، زمان حضرت جواد (علیه السلام) این کار هم انجام دهد یا نه، حالا جواب حضرت هم خیلی مسئله را روشن می کند، حضرت جواب می دهند که اگر این که نقل کرده برای این کار، در سؤال می گوید که من نذر کرده ام بعد این هایی که مردها دست بنی عباس است آن ها

ساماندهی می کنند کار رباط را، و معلوم است که جزء جباران و ظالمان هستند آیا می توانم آن را که من نذر کرده ام در راه دیگری خرج کنم؟ یا ناچار باید همان جا خرج کنم؟ حضرت می فرمایند اگر شما این را نذر کردید کسی اطلاع دارد تقیه است و اطلاع دارد ناچار همین کار را بکن ضرورت است ندارد این ها را رباط می گویند، ولو نذر کرده باشید این پول را در جای دیگری خرج کن، این را در آخری می خوانم می گوید «يَلْزُمُنِي الْوَفَاءُ فَكَتَبَ إِلَيْهِ بِخَطِّهِ وَقَرَأْتُهُ» حضرت به خط خود نوشت علی بن مهزیار هم آن خط را خوانده، «إِنْ كَانَ سَمِعَ مِنْكَ نَذْرَكَ أَحَدًا مِنَ الْمُخَالِفِينَ» اگر نذرت را شنیده اند «فَالْوَفَاءُ» ضرورت است دیگر تقیه است «بِهِ إِنْ كُنْتَ تَخَافُ سُعْنَتَهُ» اگر از پیامد این می ترسی برو دفاع کن تقیه است «وَأِلَّا فَاصْرَفْ مَا نَوَيْتَ مِنْ ذَلِكَ فِي أَبْوَابِ الْبُرِّ وَفَقْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكَ لِمَا يُحِبُّ وَيَرْضَى» اگر کسی خبر ندارد نرود، به رباط خرج نکن به کارهای دیگری خرج کن، چرا؟ چون آن زمان این گونه بوده است رباطها و مرابطن دست بنی عباس بوده و رفتن آن ها تقویت آن ها بوده، ائمه (علیهم السلام) حرام می دانستند این را، این خبر. منتها یک کلمه ای هست که این را باید معنا کنیم در این جا هست که سؤال می کند که: «إِنِّي كُنْتُ نَذَرْتُ نَذْرًا مُنْذُ سَنَتَيْنِ أَنْ أَخْرَجَ إِلَى سَاحِلِ مَنْ سَوَاحِلِ الْبَحْرِ» می گوید من چند سال است نذر کردم بروم به ساحلی از سواحل دریا، «إِلَى نَاحِيَتِنَا مِمَّا يُرَابِطُ فِيهِ الْمُتَطَوِّعَةُ» متطوعه در آن جا؟؟؟ رباط هم دارد بعداً خواهد آمد در همین جواهر، دو طایفه بودند این ها نسبت به جهاد، یکی متطوعه بودند، متطوعه به کسانی می گفتند که این ها مشغول نجاری و بنایی و خیاطی بودند، هر وقت می خواست دولت می خواستند ابلاغ می کردند می رفتند به جهاد، این ها یک حکمی داشتند یک عایدتی داشتند از این راه، ولی این گونه بودند عده ای دیگر مرسلین بودند این ها همیشه آماده بودند برای جهاد، کار دیگری نداشتند و همیشه هم در آن زمان برخوردها و جهادها و مأموریتها و نظامی و انتظامی و این ها بود، به آن ها می گفتند مرسلین، این متطوع که این جا هست آن طایفه ای اول را می گوید، می گوید همان گونه که متطوعه نجار و بنا و خیاط و گاهی می روند کارهای مربوطه من هم نذر کرده ام بروم، «نَحْوَ مَرَابِطِهِمْ بِجُدَّةَ» همان جدّه ای فعلی «وَعِزِّهَا مِنْ سَوَاحِلِ الْبَحْرِ» و سواحل بحر، چه کار کنیم؟ حضرت جواب می دهند اگر موقعی که نذر کردی مطلع شدند تقیه است برو،؟؟ نمی خواهد بروی چون برای این که این مرابطه در زمان بنی عباس و تقویت سلطنت و حکومت این جباران و این گونه موارد، این هم از این خبر دلالت بر چیزی هم ندارد.

خوب بعد خبر دوم عبدالله بن جعفر همگری است در روایت آمده عبدالله بن عیسی عن الرضا (علیه السلام) این خبر هم باز مطالعه می‌کنید باز دارد که اگر، طوری است که ناچار هستی فلیرابط برو برای رباط، منظوم این است که این روایت هیچ کدام از آن دال بر آن که صاحب جواهر می‌گوید نیست، استحباب آن را می‌گویم، عجیب این است که ایشان در صفحه اول که دیروز گفتم استحباب می‌گویند و بعد در صفحه بعد می‌گویند شیخ طوسی، در صورتی که مستحب هم نیست چرا؟ در یک زمانی بوده اند که جهاد و رباط و همه در دست ظالمان بوده است و این ها، حتی بگوئیم مستحب هم نیست، ولی شیخ طوسی گفته مستحب است در یک زمانی بودند که تمام قدرت‌ها در دست حکومت جباران بوده است جهاد آن شوون حکومت‌ها بود، رباط از شوون حکومت‌ها بود، بله آن چه ما عرض کردیم لکن آیات و قرآن که عرض کردیم به حکم عقل عقلاء هر کسی که زماندار است و هر کسی زمان است و هر کسی که قبضه کرده است حکومت را البته باید ساماندهی کند یکی از ساماندهی و برقراری حکومت همان جهاد است و قتال است و رباط است و مرزبندی‌ها و مرزداري‌ها است بنابراین به نظر ما، همان که عرض کردیم جهاد به آن معنا، حکومت به این معنا و این از شوون حکومت است و مرزداري، رباط لازم و واجب است برای عقل و عقلاء و برای مرزها را که بایستی محکم ببندد و نگاه دارند تا دشمن نتواند نفوذ کنند، در نهج البلاغه هم سه تا در نامه‌ها درباره‌ی ثغور و مرزها هست مستفاد از آن‌ها که بله، لازم است که ثغرها و مرزها محکم باشد نامه‌ی چهارم و ششم است که الآن فرصت نیست بخوانیم نامه‌ی شصت و یکم است و نامه‌ی هفتاد و یکم است این سه تا نامه درباره‌ی مرزداري است نامه‌ی چهارم و ششم شصت و یکم و هفتاد و یکم، چرا؟ چون حضرت امیر حکومت داشتند کسی که حاکم باشد باید مرزها را کاملاً مواظب باشد و مرزبندی کند و مرزبانی برقرار باشد، نامه‌ی شصت و یکم به کمیل بن زیاد نخی است کمیل بن زیاد که از لحاظ تقوا و تعهد و ولایت در سطح بسیار بالایی است و در همین راه هم کمیل کشته شد، حجاج بن یوسف کمیل را شهید کرد و الآن هم قبر کمیل بن زیاد در عراق یک زیارتگاه بسیار مهمی است خوب، نامه‌ی شصت و یکم از حضرت به کمیل است کمیل را حضرت امیرالمؤمنین برای جایی والی قرار داده بود و قرار بود که مرز را هم حفظ کند اما نتوانست حفظ کند حضرت امیر به آن صراحت خودشان گفتند به این که تو چون نمی‌توانی حفظ مرز کنی، بیا کنار شهری از شهرهای عراق به نام ??? این در آن شهر حاکم بود ولی به گونه‌ای بود که معاویه در شام

حاکم بود به عراق نفوذ می‌کرد برای خاطر این که امنیت را به هم بزند تا حضرت امیر را اذیت کند و این ها، حضرت در آن خطبه‌ی بیست و هفتم فرمودند که من شنیدم لشکر معاویه داخل شده اند از سمت انوار و النگو و گردنبد یک زن زنی را که آن البته مسلمان نبوده ولی تحت سیطره‌ی اسلام بوده گردنبدشان را برداشتند این خیلی متأثر شدم اگر هر کسی این جریان را بشنود از غصه بمیرد، «ما کان عندی ملوما بل کان به جدیرا» از غصه بمیرد که دشمن وارد می‌شود به خاک مرز حفظ نشود و داخل شود به خاک اسلامی ولو این که یک زن زنی هم باشد ولو چون تحت سیطره‌ی اسلام است این گونه شود خلاصه حفظ مرزها، انقدر موضوع مهمی است نامه‌ی شصت و یکم را به کمیل است که چون نتوانستید شما مرز را حفظ کنید بیا کنار و کس دیگری آن جا برود، این هم از این و دعای بیست و هفتم است، دعای بیست و هفتم صحیفه‌ی سجاده‌ی که دعاء اهل الثغور، بله برای اهل ثغور حضرت امام سجاد دعا می‌کند آن دعا را اگر مطالعه بفرمایید چقدر امام سجاد (علیه السلام) عنایت و اهتمام دارد به حفظ ثغور و مرزها و کسانی که مرزداران هستند و چقدر این‌ها فضیلت و ثواب دارند حضرت دعا می‌کند، البته صحیفه‌ی سجاده‌ی برای همه‌ی زمان هاست این برای زمان بنی عباس نیست، در زمان بنی عباس هم کسانی که مرزها را حفظ می‌کنند برای اینکه بیضه‌ی اسلام حفظ شود مسلمانان حفظ شود و اسلام حفظ شود، خلاصه ما در این استحباب احتیاجی به دلیل‌های صاحب جواهر نداریم، خود همین صحیفه‌ی سجاده‌ی دلیل بزرگی است برای ما، که امام سجاد (علیه السلام) برای اهل ثغور دعا می‌کند خوب این خیلی فضیلت است دیگر، نیازی به آن ادله نیست که ایشان می‌گویند؟؟؟ بلکه ما آن را از استحباب بالاتر می‌دانیم به این که واجب است و این ها، درباره‌ی چون امروز خواستیم این بحث تمام شود، درباره‌ی رباط روایات فراوان داریم بیشتر هم از عامه است که چقدر ثواب دارد این، یکی دو تا از آن روایت‌ها را حالا خدمت شما عرض کنم در صحیح بخاری، «قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) رباط یوم فی سبیل الله خیر من الدنیا و ما فیها» یک روز اگر کسی برود مرزها را حفظ کند از دنیا و؟؟؟ حفظ است قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) «رباط فی سبیل الله أفضل من ألف یوم فیما سواه» بله «؟؟؟ فی سبیل الله» حفظ کردن است حفظ کردن مرزها و بیدار ماندن «أفضل قیام لیلها و صیام نهارها» این روایات را در منتهای علامه که جلد چندم بود عرض کردم منتهای بحث ما الان اینجا هست.

—؟؟؟

منتهای علامه جلد چهارده، تذکره جلد نه، روایات فراوانی تذکره‌ی علامه، روایات فراوانی هست در پاورق آدرس تمام این روایات ذکر شده است منتها به تذکره مراجعه می‌کنید، خوب مطلب دیگر که خواستم عرض کنم خدمت محترمتان که این بحث تمام شود این است که، رباط و مرزدار، معنای وسیعتری هم دارد که در جلد دوم بحار، صفحه‌ی پنجم، «علماء شیعتنا مرابطون بالثغر الذی یلی ابلیس و عفاریته» امام صادق (علیه السلام) فرموده است علمای شیعه‌ی ما همه مرزدار هستند، همه‌ی طلبه‌ها باید مرزدارانی باشیم، «علماء شیعتنا مرابطون بالثغر الذی یلی ابلیس و عفاریته» در مردی که آن طرف مرز ابلیس و عفاریت و قوای ابلیس است «یمنعونهم من الخروج الی الضعفاء شیعتنا» این‌ها مانع اند از این که دشمنان اسلام نفوذ کند و ضعفای شیعیان ما را گمراه کند، «فمن انتصب لذلك قتل جاهد الروم و الترك و الخزر ألف ألف مرة» کسانی که از علمای شیعه‌ی ما خودشان را آماده کنند برای حفظ مرزها، نه از جهاد با روم و خزر که در آن زمان کافر بودند هزار هزار برابر، یک میلیون دفعه، چرا؟ لأنه یدفع عن اديانهم و هؤلاء عن ابدانهم» برای این که مرزداران دیگر، بدن‌های مردم را حفظ می‌کنند، مرزداران لشکری اما علمای ما دین مردم را و دین مردم را حفظ کنند حدیث را یک بار دیگر می‌خوانم ... بنابراین ما طلبه مجاهد هستیم مرابط هم هستیم که شأن ما به این است که باید دل‌ها را حفظ کنیم یک وقت وسوسه‌هایی، یک وقت مغالطه‌کاری‌هایی در دل مردم نفوذ نکند و ایمان آن‌ها را سست نکند، بحث مرابطه یکی از بحث‌های جهاد بود با توفیق پروردگار که تمام شد امروز می‌خواهم دیگر انشاءالله بعد از این بخوانیم.